

دیدگاه های نوین در نقد روانشناختی معاصر

دکتر اسرافیل دلاورد

استادیار دانشگاه تبریز

وحید نژاد محمد

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز

مقدمه

امر مسلم بر این است که ادبیات و قلمرو هنر زاده تجزیه و تحلیل دنیای خیال است. و بسیاری در درک این اعماق *عالم خیال*، بی وقفه غوطه ور شده اند. از میان محققان و متفکران قرن نوزدهم، فروید، یونگ و بعضی از روانکاوان دیگر، محتوای مفهوم ضمیر ناخودآگاه را نه در سطحی غیر طبیعی، بلکه برعکس در سطحی طبیعی و آسیب شناختی اشخاص مورد بررسی قرار دادند. در مقاله حاضر سعی بر این است تا حلقه ارتباط عمیق *ادبیات* با علم *روانشناسی* و *روانکاوی* را به همراه تحلیل بعضی از متفکران ادبی معاصر مورد بحث و بررسی قرار داده و با نشان دادن دلایل پر محتوا، بتوانیم در زبان و ادبیات فارسی نیز، از دستاوردها و نوآوریهای این شاخه نقد جدید در عرصه ادبیات و دنیای هنر، کمال کارآیی را حاصل کنیم. حال آنکه نقد مذکور، همانطور که خواهیم دید، در پرداختن به سعادت یا ابتدال شخصیت ها و هنرمندان، از هیچ تلاشی دریغ نخواهد ورزید.

فلذا ریشه این نقد نوین را باید در عناصری چون: *تداعیهای آزاد و گونه حکایات، تفاسیر ناخودآگاه شخصی، مکانیزم های روانی، تنش های درونی و حالات عاطفی سرکوب شده جستجو کرد.*

بحث و بررسی

روانشناسی و روان تحلیل گری الگوری تحول نظامدار زمینه عاطفی انسان را به صورت مراحل متوالی ارائه داده است. گذار از ناخودآگاه به خود آگاه و اشکال متنوع مقاومت که معرف امیال سرکوب شده و خواستههای پنهانند، فریاد^۱ را بر آن داشت که به تحلیل دستگاه روانی انسان بپردازد. وی در بررسی پایگاههای روانی به بازسازی تحول عاطفی و زندگی روانی فرد بهنجار می پردازد و نویسنده یا خالق یک اثر ادبی از این تحلیل بدور نخواهد بود. پایگاههای روانی عبارتند از: نهاد،^۲ من،^۳ فرامن.^۴

نارسایی این پایگاههای روانی، به اختلالات ناشی از روابط درون - روانی منجر می گردد. و شخصیت شکل یافته به هر طریق ممکن در صدد است تا غلیان های درونی خود را افشا کند، حتی در قلمرو هنر و ادبیات. درون فکنی ها و تعارض هایی که شکل گیری پایه های «فرامن» بر آنها استوار گردیده است، به صورت *ناآگاهانه*، خودشان را در تحول خلاقیت های هنرمند نشان خواهند داد.

دستاوردهای ماندگار روان تحلیل گری و کشف راز و رمز قلمرو ناهشیار توسط این مکتب تحلیل گر، به محققان و پژوهشگران ادبی این امکان را مهیا ساخت تا تعدیل های بنیادی خود را وارد قلمرو هنر و ادبیات نمایند. تصویر ذهنی آفریننده اثر ادبی یا تولید کننده کیفیات و ادراکات تجربه شده بر آن است تا از خلال نوشتار، تعادل^۵ ذهنی و روانی خود را باز پس گیرد. حال آنکه این تعادل در پایگاههای روانی او ریشه گرفته است.

از این منظر، هنرمند یا در پی جبران است یعنی به مکانیزمی توسل می جوید که حاوی یک فرآیند روانی بوده و در پی جبران نقص های بدنی یا روانی یا عاطفی بر می آید؛ و یا اینکه آفریدگار در پی فرافکنی است؛ به عبارتی به مکانیزمی توسل می جوید که تبلور برونی آن چیزی است که هنرمند در ذهن خود می پروراند. به باور فروید، آنگاه که هنرمند از بیان مستقیم احساساتش عاجز شود، به تخیل خویش روی می آورد، تخیلی که زاده ضمیر ناخودآگاه و تنیدگیهای شخصیتی وی است:

^۱- فروید: حسب شناسی اثری، روانکاوی (۱۹۳۹-۱۸۵۶).

^۲- نهاد: محل استقرار عناصر ناهشیار فطری و آکتیوی است، به عبارتی بخشی از کشتانده و خرایز که تپاشته از عناصر سرکوفته ناهشیار هستند (Ca).

^۳- من: نماینده منطقی و عقل و روابط بین فرایز و محیط خارج است، تنظیم و ساماندهی خواسته های فرد، (Moi).

^۴- فرامن: تبلور خواسته های اخلاق محیط زندگی (Surmoi).

^۵- تعادل: اصطلاحی است که پیژوه (روانشناس سوئیسی) برای رابطه موزون بین درونسازی و برونسازی به کار می گیرد (Equilibre).

به نظر فروید، هنرمند و بیمار روان نژند کسانی هستند که زیر فشار غریزه های پر زور از واقعیت روی بر می گردانند و بخش گسترده ای از زندگی خود را در وهم و خیال می گذرانند.^۱

فروید، نویسنده را روان نژندی سرکش می دانست که با کار خلاقه اش خود را هم از دیوانگی و هم از درمان واقعی به دور نگه می دارد. و شاعر کسی است که به جای دگرگون کردن خصصت خود تخیلاتش را انتشار می دهد. در واقع، آفرینش ادبی، خود، نوعی کنش و واکنش در دنیای خارج است. هنرمندان چون کودکانی که قادر به بیان اعماق درون خویش هستند:

آرزوهای ارزنا شده، مروّجان واقعیت های تحقق نیافته هستند. یک تجربه کنونی، در نزد نویسنده، بیدارگر یاد یک تجربه پیشین است که غالباً متعلق به دوران کودکی وی است. آفرینش ادبی، همچون خیال پردازی، تداوم و جایگزین بازی های کودکانه دوران گذشته است.^۲

بشر موجودیست عاطفی و احساساتی و این غلیان ها، در زیر قلم نویسنده، به تصویر کشیده می شوند، اثری که مشتمل بر بازتاب های ساختار و زندگی ناخودآگاه خالق خودش است.

در این حیطه، بعضی دیگر به بررسی فعل و انفعالات بین انسان و اثر، و پیوند آنها می پردازند. پیوندی که حاصل انگیزه های ناخودآگاه است. در واقع، انسان منشأ اثر آفریده شده قرار گرفته و مفهوم این انسان نیز فقط در درون اثر قابل فهم است.

بعبارتی اختصاص اهمیت ویژه به زندگی واقعی آفریننده اثر می تواند محور اساسی واقع شود. برای منتقد، واژه متن دیگر علامت نیست بلکه نمادی است که در پشت پرده های ظریف آن، یک فریاد یک عصبان و یک عاطفه آرمیده است و با تلنگری طنین می اندازد. اثری، مدتها پس از مرگ مولف خود، دوباره بازسازی می شود و این بار عمیق تر و جاودانه تر. نقاد از این پس در پی مطالعه فهم انتقادی گسیختگیها، ناهماهنگی ها، پیچشها و آشفتگیهای اثر هنری گام بر می دارد و با ظرافت و فراست به بررسی پیشنویسها، پیرامتن ها، خط خوردگیها، قسمتهای بدور ریخته شده و بریدگیهای اثر آفریده شده می پردازد. همه این تحولات افشاگر روح و ذهن خالق اثر، در برهه های مختلف زمانی خواهند بود. باید اذعان کرد که مضامین، درون مایه های موجود در اثر، پیچیدگی و نحوه متناسب ساختارها، کنش و واکنش های ذهنی نویسنده و گرایشهای فکری او را نشان می دهند. نقد نوین روانکاوی، انقلابی است که در مساحت فرمانروایی ساختگرایی و زبان، مساحت زبان^۳ را می شکافد تا بتواند در عمق آن به حقیقت اندیشه آن دست یابد.

بعبارتی نقد روانشناختی به وجود یک واقعیت مستقل در درون متن اعتقاد دارد که فقط یک خوانش آن را نمایان می کند. حال آنکه این خوانش باید سازنده شبکه ای از مفاهیم بهمراه واژگان متن باشد. من درونی

^۱- بنیادها و رویکردهای نقد ادبی، عبدالعلی دستغیب، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۵، ص ۹۰.

^۲- S. Freud, L. *Inquietante étrangeté et autres essais, Paris, éd. Gallimard, 1985.

^۳- عنصر زبان، از عناصر بسیار پر اهمیت برای زیانشناسان و ساختارگرایان و مردم شناسان قرن بیستم بوده است.

حمیتی نویسنده از ورای ساختارها و شبکه های تداعی یافته خود را نمایان می سازد. دریافت چنین حیطه ناخودآگاه خالق اثر، خود را ملزم به یک نظامی از خوانش وسیع و پر عمق متمرکز می کند. از ورای این کنش ها، ادبیات با چهره ادبی اثر خلق شده خود را اینگونه به تصویر می کشد: نهادینه کردن عیثیت. در این وادی، نقد روانکاوی در جستجوی تداعی مفاهیم غیرارادی در زیر ساختارهای آشکار متن است.

رویداد ادبی، عمیقاً به نویسنده، زبان نویسنده و محیط نوشتاری نویسنده متعلق می باشد. آنچه که یک خالق اثر را از آفرینندگان دیگر مجزا می سازد همین محیط نوشتاری وی است که شخصیت ساخته شده وی را در پرتوی خوانشی ظریف و پر از وسواس در آثار وی به تصویر می کشد. همین جاست که تصورات و برداشتهای تاریخی، اجتماعی و روانشناختی نویسنده خود را به صحنه نمایش در می آورند بی آنکه نویسنده غایب، خود نیز از درون حمیتی کنش گر و عصیان گر خود آگاه باشد. پویایی این سن درونی خالق، افشاگر بازتاب های اجتماعی و روانشناختی وی است. لذت زیبایی شناسی هنر نیز در همین افشاسازی احساسات درون نهفته است. از نقادان برجسته نقد روانشناختی می توان شارل مورون^۱ را نام برد که ذکر تحلیل وی خالی از اهمیت نخواهد بود. شبکه هایی که مورون پی در پی در جهت کشف آنها است، نتایج فرایندهای روحی بسیار پیچیده ای هستند که بصورتی غیر ارادی عمل می کنند. نقد روانشناختی وی، سیری است که به کمک روی هم چیدن متون دست به اکتشاف و استخراج زده و روابط پنهان بین کلمات و این متون را آشکار می کند. نقد روانشناختی مورون بعد از تفکیک دادن ساختارهای آزار دهنده، در پی بررسی عواملی همچون: پیدایش، اشکال، پیدایی ها و ناپیدایی های این ساختارها است. این روند تحت تأثیر روانشناسی دنیای خیال از یک پندار پرده بر می دارد: پنداری که آشکارا تداعی گر تعارض ضمیر ناخودآگاه نویسنده است. پنداری که به سود صور خیالی دیگر، در جایگاه خود سرکوب شده و در اعماق ضمیر ناخودآگاه به کمین نشسته است. و تحلیل نقادی همچون شارل مورون آن را به سطح خوانش موشکافانه می کشاند.

^۱ شارل مورون: متقد ادبی فرانسوی با رویکرد روانشناختی (۱۹۶۶-۱۸۹۹).

امروزه هیچ نقدی همچون نقد روانشناختی نمی تواند به رمزگشایی غلیان ها و طغیان های درونی خالق اثر و پویایی شخصی وی براساس تصاویر عینی حک شده در درون متون دست یابد. در واقع می توان گفت که چنین اسطوره ای، شخصیت عمیق خالق که دست به خلق شبکه های خیالی و تداعی برانگیز می زند، حامل مفاهیم بالینی چشمگیری است.

بعبارتی روانکاوی در پی جریان آن است تا ببیند که نویسنده اثر خود را با کدام زمینه تاثرات و خاطره شخصی ساخته است. در این نقد روانشناختی نخست با روی هم چیدن متون یک مولف و نویسنده (همچون مجموعه عکس هایی که پشت سر هم تکرار می شوند)، شبکه های تداعی گر یا دسته هایی از

استعاره ها را آشکار می کنیم. شبکه هایی که آزار دهنده و احتمالاً غیر ارادی تبلور می یابند. از ورای اثر همین نویسنده، در مرحله دوم، بدنبال این هستیم که چگونه این شبکه ها، دسته بندی ها و ساختارها تکرار شده و دگرگون می شوند. با این توصیف، این ساختارها عملاً تصویرگر استعارات و موقعیت های دراماتیک هستند. همه این مراحل ما بین *تداهای افکار*¹ و *پندار تخیلی خلاق*² می توانند مورد مشاهده قرار گیرند. بدینسان در این مرحله تحلیل موضوعات متنوع با تحلیل رؤیاها و دگردیسی آنها ترکیب می شود، و معمولاً به تصویر یک *اسطوره شخصی* آفریننده اثر می انجامد.

در مرحله سوم، اسطوره شخصی نویسنده و تحولات آن در قالب تعبیر شخصیت ناخودآگاه و تحول و تکامل آن تفسیر می شوند. در مرحله نهایی، نتایج حاصله از بررسی آثار، در مقایسه با زندگی شخصی نویسنده مورد کنترل قرار می گیرند. بررسی های زیادی بر روی آثار نویسندگان، کمذی نویسان و شاعرانی همچون: *ملارمه*³، *بودلر*⁴، *راسین*⁵، *مولیر*⁶، *وان گوگ*⁷ و غیره، در چارچوب این نقد روانکاری صورت گرفته است.

تفسیر یک اسطوره شخصی، جستجوی منشأ و درک کارکرد آن است. این اسطوره که در *پندار تخیلی ناخودآگاه* قرار گرفته، بیان تمثیل آمیز حالت فعلی شخصیت ناخودآگاه است. یا بعبارتی واکنش این شخصیت به شرایط حاضر است. آنها منطبق با گذشته فردی نویسنده و تحول روانی - جسمانی وی، و در نهایت این اسطوره را می توان همچون واکنش این شخصیت به شرایط حاضر متناسب با سرگذشت یک *گونه انسانی*، تعریف کرد. با این وجود، اثر یک نویسنده را می توان در عمومی ترین تاریخ افکار و احساسات انسانی جای داد. این اسطوره بیانگر روابط تکوین شخصیتی مولف و مکانیزم های دفاعی وی در برابر تنش های ناخودآگاه درونی وی است. توصیف این اسطوره شخصی نویسنده، از خلال ساختارها و شبکه های ناخودآگاه تداهای گر، به سرگذشت تکوین روحی - روانی مربوط می شود. اساس این شرح حال گذشته در سالهای اولیه دوران کودکی جریان می یابد. این تکوین روانی باید تابع قوانین بوده (پایگاههای شخصیتی فروید) و در پی مراحل رشد عاطفی و تخیلی کودک باشد. این اسطوره همچون یک واقعه حاصله و کنونی در تفسیر پویایی و ساختاری خود عمل می کند. تفسیر این اسطوره روانشناختی آفریننده اثر به هیچ وجه تفسیر اثر را به اغتشاش نمی کشد. واقعیت نهادها، من ها و فرامن های فرویدی از خلال این اسطوره

¹ - L' association d' idées

² - La fantaisie imaginative

³ - Stéphane Mallarmé (۱۸۹۸-۱۸۴۲)، شاعر و از پیشوایان مکتب سمبولیسم فرانسه.

⁴ - Charles Baudelaire (۱۸۶۷-۱۸۲۱)، شاعر و بنیانگذار مکتب سمبولیسم فرانسه، مترجم حکایات ادگار پو.

⁵ - Jean Racine (۱۶۹۹-۱۶۳۹)، تراژدی نویس برجسته دوره کلاسیسیسم کشور فرانسه.

⁶ - Molière (۱۶۷۳-۱۶۲۲)، درام نویس دوره کلاسیسیسم کشور فرانسه.

⁷ - Van Gogh (۱۸۹۰-۱۸۵۳)، نقاش و چهره پرداز برجسته هلندی.

شبکه های ناخودآگاه متون به تصویر کشیده می شوند بی آنکه خود نویسنده یادآور جزئیات ساختار شخصیتی دیرینه و ظریف خود باشد. همچون ادگار آلن پو^۱ که تحت تأثیر مرگ مادر خود در دوران کودکی قرار می گیرد و ارتباطی که ما بین این واقعه و طنین درون مایه خوفناکی که در آثار وی به وجود می آید، از سوی نقد روانکاری^۲ با تکنیک چیدن متون نمایشنامه های کمدی یک خالق دنیای کمدی، مولیر^۳، سعی دارد تا روابط غیر قابل مشاهده و شبکه تداعی ها و استعارات را به تصویر کشید. این شبکه ها، موقعیت های دراماتیک را تجلی می کنند. بدینسان امکان تفکیک عناصری همچون: *تمسخر، طنز در مقابل لذت فراهم می شود که از هر گونه پایندهای اخلاقی رها شده اند. نقاد روانکار، از ورای خلاقیت های آفریننده، سعی دارد که به اسطوره شخصی وی دست یابد. موضوع عبارتست از یک مجاز، یک استعاره، یک ساختار شخصیت، تضاد ما بین من اجتماعی و من اخلاقی. زندگی فردی خلاق شاخصی است که توسط آن، نقاد می کوشد تا نتایج حاصله خود را تحت کنترل در آورد. در نهایت نقاد فرضیه اسطوری خود را مبتنی بر تفسیر ساختارها و شبکه ها و پیوگرافی خالق آثار کمدی تحت عناوین: *تباهی و انحراف اخلاقی و ساختارهای غیر اخلاقی درون به تصویر می کشد. دامنه گستردگی و اشاعه این روش تحلیل را می توان در آثار نویسندگان دیگر نیز در پیش گرفت. همانطور که می توان از ورای آثار مختلف صادق هدایت و با چیدن متون آثار وی و استخراج ساختارها و شبکه های ناخودآگاه، اسطوره شخصی و ناخودآگاه وی را در قالب تفسیر فاش کرد. تصاویر تنهایی و بی اعتمادی آثار وی را در هم دریده و وی را به درون پندار و رویاهای واپس زده و ژرف فرو برده است. کشمکش ها و تنشهای درونی این اسطوره بر آن است تا ناکامی آرزوهایش را با همه ابعادش در شبکه های استعاری به تصویر کشد. تجسم اضطراب آور مرگ در این تداعیها، واقعیت ویرانگری را در ابعاد روانشناختی آشکار می کند. در این مقاله پرداختن به آثار نویسندگان زبان و ادبیات فارسی خارج از تفصیل نوآوریهای نقادان معاصر روانکاری خواهد بود. امید است این توشه اندک زمینه را در جهت گام های آتی هموار سازد.**

از سوی دیگر شاخه ای دیگر، نقد روانکاری نوین با انتقاد از نقد روانشناختی دهه های اخیر رویکرد تحلیل متن را در جهت بررسی درون مایه ناخودآگاه متن بر می گزیند. این فرایند در برگیرنده *خوانشی* است پس عمیق. هر اثر هنری می تواند از یک نگاه روان تحلیلی آگاه به بنیادهای ناخودآگاه بهره مند گردد. هر متنی صاحب یک وحدت مفهومی و نگارشی است که به آن متن استقلال می دهد. وحدت آن سازمانده است. هر متنی باید در بعد منحصر به فرد خود، خواننده شود. در فرایند تحلیل *ژان پلمن نوئل*^۴، خواننده، بعنوان همکار

^۱ - Edgar Alan Poe: *شاهر سمبولیک و نویسنده قصه های خیالپردازانه و متقد برجسته آمریکایی* (۱۸۴۹-۱۸۰۹).

^۲ - *نقد روانشناختی مورون.*

^۳ - *کمدی نویسنده کلاسیسم کشور فرانسه (۱۶۷۳-۱۶۲۲).*

^۴ - *ژان پلمن - نوئل: متقد روانکار فرانسوی (۱۹۳۱-...).*

نویسنده، غائب است. عبارتی اثر خواننده شده حاصل تعامل با یک گفتمان است نه با یک انسان. در بطن مکانیسم تحلیل متن، تصویری از یک ضمیر ناخودآگاه خوانش ریشه-دوانده است. این تحلیل تحت تکرار ضیاراتی موقعیت های یکسان عمل خواهد کرد. از این منظر: هر متنی توسط نیروهای ناخودآگاه به تجزیه در می آید؛ نیروهایی که می توانند مورد مشاهده قرار گرفته و توصیف شوند. تحلیل متن همان بازسازی گفتمان امیال درونی است بدون ارجاع به مولف، آثار دیگر مؤلف حتی به خواننده.¹

بنابراین مؤلف جز یک شخصیت یا یک راوی نمی تواند باشد. نقاد باید به دقت گوش فرا دهد به آنچه که سناریوها در متن اذعان نمی کنند، به آنچه که شخصیت ها بر زبان نمی آورند، به آنچه که دکورهای متنی تحت پوشش قرار می دهند، به آنچه که استعارات بدیع پنهان می کنند و به آنچه که واژگان، صداها و قافیه ها زمره می کنند. پویایی ناخودآگاه متن، صرف متن، از ورای خوانش عمیق، افشاگر رابطه خود با منتقد است. از این حیث، امر ناخودآگاه در متن است و تولید کننده فعل و انفعالاتی است که متن را تشکیل می دهند.

عناصر متن در شبکه هایی قرار می گیرند (صداها، رنگ ها، موضوعات، محرک ها و انگیزه ها)، و تفکرات ناخودآگاه بکمک تصاویر (استعارات) تکوین می یابند. در متن کاوی نقد معاصر، آشکار ساختن آرزوها و امیال ناخودآگاه خاص در متن خاص است. خاص بودن هر خواننده در هر متنی به میان کشیده می شود و هدف نیز رسیدن بدان است. آرزوی اشخاص داستانی آرزوی خواننده است. در این تکاپو، انسان و متن هر دو به تنش کشیده می شوند که نتیجه فاش شدن قلمرو ناخودآگاه متن است. از سویی دیگر مولف اثر، در دست نویس ها، چرک نویس ها، خط خوردگیهای دست نویس ها تجلی می شود. نطفه ناخودآگاه متن نیز در همین پیش متن ها و پیرامتن ها و عواملی که نویسنده را وادار به خط خوردگیها می کنند، بستر گرفته است. پیرنگ هایی که ما بین نویسنده و این الزامات درونی در موعد تعلیق نوشتار بوجود می آیند، موضوع تحلیل متن یا متن کاوی خواهند بود.

و به تعبیری موضوع اساسی در درک این امر خواهد بود که یک متن چگونه به موضوع هنری تبدیل می شود و چگونه کانون پایدار احساسات عاطفی و زیبایی شناختی قرار می گیرد. پاسخ به این چگونگی ها، عملکرد ناخودآگاه متن را تبیین خواهد کرد.

¹ -Jean, Bellemin -Noël, Vers l'Inconscient du Texte, PUF, Paris, 1996

نتیجه گیری

بینش روانشناختی موجب ارتقای اهمیت ارزشهای هنری شده است. بینشی که به انجام عمیقی یک آفرینش ادبی از ورای تار و پود واقعیت آن اثر، کمک شایانی کرده است. نظام روانشناسی فروید، که به ویژه بر نقش ناخودآگاه و نیروهای پویا در کنش ها و کنش های روانی تأکید می ورزد، تأثیرات ژرف خود را در تحلیل روابط یک اثر ادبی و خالق آن آشکار کرده است. نقد روانکاری در پیوند علم تجربی با ادبیات پیشتاز بوده است و از تحلیل ظریفترین احساسات و عواطف بشری دریغ نکرده است. شاهد بودیم که نقادان معاصر روانشناختی از یک سو با کشف شبکه های منظم و تداعیها و موقعیت های دردناک به شخصیت ناخودآگاه نویسنده نزدیک شدند و از سوی دیگر با شیوه های تحلیل و تفسیر متن و ابعاد تودرتوی آن از ورای ظریف ترین خوانش ها به بازسازی گفتمان امیال ناخودآگاه درونی متن پرداختند. بدینسان با کشف افق های جدید در قلمرو پیوند ادبیات با علوم روانشناختی، زمینه برای تبلورسازی علمی دنیای خیال گشوده شد. مقاله حاضر تحفه ایست اندک در گشایش افقهای خفته درون خالقان آثار کوچک و بزرگ در قلمرو ادبیات و دنیای خیال.

کتاب شناسی:

- ۱- احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، نشر مرکز (چاپ اول)، ۱۳۷۰.
 - ۲- احمدی، بابک، تصاویر فنیای خیالی، نشر مرکز، ۱۳۷۰.
 - ۳- دست غیب، عبدالعلی، بنیادها و رویکردهای نقد ادبی، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۵.
 - ۴- مکتب های روانشناسی و نقد آن (۱)، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سمت، ۱۳۷۶.
1. BELLEMIN – NOEL, Jean, *Vers l' inconscient du texte*, PUF, collection "Quadrige", Paris, 1996.
 2. BELLEMIN – NOEL, Jean, *La Psychanalyse du texte littéraire*, Edition Nathan, Paris, 1996.
 3. BELLEMIN – NOEL, Jean, *La Psychanalyse et Littérature*, PUF, "Que sais-je?" Paris, 1995.
 4. BELLEMIN – NOEL, Jean, *Biographies du désir*, PUF, 1988.
 - 5- BELLEMIN – NOEL, Jean, *Interlignes*, Presses universitaires de Lille, coll. Objet, 1988.
 - 6- FREUD, Sigmund, *Introduction à la psychanalyse*, éd. Payot, 2004.
 7. FREUD, Sigmund, *L'Interprétation des rêves*, Paris, Presses universitaires de France, 1987.
 8. FREUD, Sigmund, *Cinq psychanalyses*, Paris, Presses universitaires de France, 1993.
 9. MAURON, Charles, *Des métaphores obsédantes au mythe personnel*, éd. José Corti, 1963.
 - 10- PLAGET Jean, *L'Image mentale chez l' enfant*, Paris, PUF, 1966.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.